



تاریخ قدیم و جدید

(۲)

از این حرفهای تازه‌ای که در فاصله سالهای ۱۲۷۰ و ۱۲۸۰ پیریزی شده بود من-
 حیث المجموع جلب توجه و نظر عنایت ناصرالدین شاه برای اجرای هرگونه اصلاح و
 تغییر وضع و یابدعتی از طرف ملکم یا آخوندزاده لازم شناخته میشد و همان طور که ملکم و
 میرزا فتحعلی آخوندزاده همواره در صدد جلب نظر توجه و رضایت شاه و اطرافیان او بودند،
 پایان هم در اسلامبول و ادرنه دریافتند که آن روش خصومت آمیز دیرینه ایشان روز به
 روز فاصله میان دربار ایران و این دسته از مردمی را که پس از چند جنگ و قیام مسلحانه
 و توطئه قتل شکست خورده، ناگزیر از مهاجرت به خارج شده بودند، دورتر و گودتر
 میساخت. از این روموجبات اقدام برای نزدیک شدن به شاه و دربار و جلب حمایتی برای
 بازگشت به تابعیت و مراجعت به ایران فراهم آمد. در همه مکاتبات تازه، دعا و ثنا و تمجید
 از ناصرالدین شاه را آغاز کردند. از جمله، کتاب تاریخ بینام و نشان متداول را که با روش
 خصمانه نسبت به قاجاریه تالیف یافته بود از نظر حرك و اصلاح گذرانیدند و همه الفاظ
 زننده و مطالب ناپسند و نکات ضعیف و زیان آور و یا ناسازگار با این غرض را از آن
 برداشتند و کتاب جدید را به شیوه مکاتیب آخوندزاده که مطلب را از زبان جلال الدوله شاهزاده
 موهوم هندی به کمال الدوله شاهزاده موهوم ایرانی در خارج ایران ضمن سیاحت و مشاهده
 اوضاع ایران بر بساط نقد و هجوم و تعرض به دین و مذهب قرار میداد آغاز کردند. کسی
 یا کسانی که به تلخیص و تحریر جدید از آن تاریخ میپرداختند خود را زیر نفوذ فکری
 آخوندزاده قرار دادند و در عین تمجید و تعریف ناصرالدین شاه و میرزا حسین خان
 سپهسالار همه کاسه و کوزه‌های نو و کهنه را بر سر علماء دین اسلام شکستند و همان نسبت‌ها
 که آخوندزاده در کتاب خود به ایشان داده بود با تغییر جهت محدودی در این اثر تجدید
 کردند بلکه آنچه را قائم مقام هم از زبان نایب السلطنه به پدرش در توهین بسه علمای

* آقای استاد سید محمد محیط طباطبائی، از محققان و پژوهندگان طراز اول کشور.

تبریز نگاشته بود بر آن افزودند.

علاوه بر این، همانطور که میرزا فتحعلی آخوندزاده سیاحت خیالی و برخورد و گفتگو با افراد موهوم را وسیله‌ای برای اثبات منظور خود که تعرض به شریعت اسلام در ضمن هجوم به علمای دین و آثار ایشان باشد، قرار داده بود، اصلاح کنندگان تاریخ قدیم بابیه هم از زبان یک سیاح موهوم خارجی زمینده‌ای برای تبلیغ و اثبات دعاوی و تأمین منظور خویش فراهم می‌آورند و طوری مطلب را بروفق مرام و مصلحت خویش بر زبان سیاح خارجی و کسانی می‌گذارند که سیاح با آنان روبرو و داخل گفتگو میشود که آخوندف هم بر قلم جلال الدوله مینهد. در این موقع که میرزا ملکم خان همبند و همعهد و شریک مبارزه سابق بغداد با سمت مشاور مخصوص مشیرالدوله صدراعظم از اسلامبول به تهران رفته و طراح نقشه‌های تنظیماتی جدید برای سپهسالار و تقدیم به ناصرالدین شاه شده بود اینان یعنی مصلحان تاریخ قدیم برای جلب مساعدت او در ترضیه سپهسالار جزء مهمی از مطالب رساله‌های سیاسی او را به لفظ ملکم از «شیخ و رفیق» و نوشته‌های دیگر او برداشته و در این تحریر جدید جامی دهند، بطوری که بیش از نصف مطالب تازه این تحریر جدید بعینه از آثار قلمی میرزا ملکم خان گرفته شده از او به عنوان فیلسوف بزرگ ذکر و نقل میکنند.

این تحریر جدید تاریخ گویی در دو مرحله صورت پذیرفته است: یکی صورت مجمل که تقریباً بخش مهمی از مطالب تاریخ قدیم را بعد از حک و اصلاح زیر مقدمه‌ای میرزا فتحعلی واد از سیاحی خیالی می‌آورد. مرحله دیگر که گویا بعد از صدارت سپهسالار و انتقال ملکم به طهران تنظیم یافته است مقدار فراوانی از کلمات و اقوال ملکم را با برخی از نوشته‌های میرزا ابوالفضل گلپایگانی در آن بعینه نقل می‌کنند و این آمیزش دو بخش بابی و ملکی طوری مزجی و به هم پیوسته است که نشانه نفوذ قلم انشای ملکم را با فکر آخوندزاده در سراسر این کتاب پانصد و پنجاه صفحه‌ای به‌طور یکنواخت و هم‌آهنگ، میتوان از نظر پژوهش و سنجش گذراند.

در دو نسخه از این تحریر تفصیلی که یکی متعلق به مانکجی زردشتی بوده و پیش از مرگ او از ایران به هند رفته و فعلاً در کتابخانه مؤسسه کامای بمبئی محفوظ است و دیگری در نسخه مصحح شیخ محمدقائمی معروف به نیل که با خط و امضای او در یکی از کتابخانه‌های عمومی تهران نگهداری می‌شود، این ترتیب تفصیلی به نحو شامل و کامل در هر دو نسخه دیده می‌شود. متأسفانه نسخه مانکجی با هیچگونه توضیحی که معرف کیفیت تحریر نسخه باشد همراه نیست ولی به اعتبار اینکه کتاب را به نام میرزا حسین تهرانی بر پشت صفحه اول به خط گجراتی نوشته و این میرزا حسین بنا به گفته میرزا ابوالفضل منشی مانکجی هاترایا و از طرف او مأمور تحریر

چنین کتابی بوده، بعید نیست که این نسخه مانکجی هم به خط دست میرزا حسین مزبور باشد.

نبودن نام کاتب در آخر نسخه و قید اسم میرزا حسین در اول نسخه از خارج متن، این حدس را به خاطر پژوهنده می آورد.

نسخه شیخ محمد قاینی در چندین مورد در حواشی و آخر آن اضافاتی از او به خط او دارد که ما را بیش از نسخه مانکجی (که میتوان آن را نسخه اصل بحساب آورد) به کیفیت تنظیم این متن آشنا می سازد. بعد از آنکه در کنار صفحه ماقبل آخر (۵۴۸) این عبارت را می نویسد «ختم و مقاله مصریح عفی عنه» در متن چنین مینگارد:

«مصحح تاریخ فقیر مسکین، نبیل اهل عالین عفی الله عنه گوید که بعد از ملاحظه این نسخه شریفه کثیره الفوائد مزیده العواید مشهود آمد که لبابش مخلوط به قشور و انوارش ممزوج ظلمات و هم دیجور است» «قد اخذ مؤلفه من هذا ضعف و من هذا ضعف لیمیل الیها اکثر الطباع و یستأنس بها غالب الاسماع و ما تمیز فیها الغث عن السمین و ما تریل (؟) فیها حکم الیقین عن الظن و التخمین»، حیفم آمدو بر این نسخه شریفه میسندیدم که در مثل این ایام... کتب... تالیف شود به جهت تذکر عباد... و در او استنادی به موهومات و تمسکی به معجولات و تشبی به تقلید و تبعیتی به عادت باشد. لذا... خالصاً لوجه الله و حباً لآبناء الوطن و اکمالاً للنعمة و شفقة علی المحیین و ترحماً علی الناظرین من الغا برین - در مقام تصحیح و تخلص این نسخه بر آمده پاره ای از ظنون و زواید و قیاسات که در اساطیر اولین و مبنی بر وهم و گمان و تخمین بود محو و شطری از اطلاعات و مستحضرات خود را در ایام سیر و مجاهده که متیقن و معلوم بود، اثبات نمود. امید که مطبوع و مقبول عقلاء ملل و منظور بزرگان و دانایان ملل و دول عالم گردد» و ماینشک مثل خبیر».

قد استنسخت هذه النسخة المصححة لفسی بعد ما صححتها لیتنفع به الاخوان و یقی اثر قلمی.. و کان اتمامها فی یوم الاحد السابع والعشرین من شهر صفر المظفر من شهر الف وثلثمائة من الهجرة المحمدیه. مطابقاً لیوم (گویا می خواسته تاریخ هجری را با تقویم بیانی تطبیق کند).

از این عبارت معلوم می شود که در راه دوم از سال ۱۳۰۰ کار تحریر این نسخه پایان رسیده و چنانکه در حاشیه صفحه ۵۱ از متن می نویسد که «مصحح تاریخ نبیل اهل عالین عفی الله عنه از خود عالیجاه سلیمان خان (صاین قلعه) مسموع داشته که مرحوم (سید کاظم رشتی) اعلی الله مقامه مخصوصاً به من وعده ادراک ظهور را دادند... و حال هم در قید حیات هست و لی در نکر سن وارذل العمرند. هزار و دوویست و نود و نه» از این عبارت معلوم میشود که کار تصحیح را در سال ۱۲۹۹ هجری آغاز کرده و در اوایل سال ۱۳۰۰ به پایان

رسانیده است .

چون نسخه مانکجی و برخی نسخه‌های دیگر را هم دیده و نگر بسته‌ایم که تفاوت میان آن و این متن مصحح جز تغییر عبارت اصل که در آن در مورد میرزایحیی، تادرجدای مراعات بی‌طرفی شده بود و افزودن برخی از اشعار سروده مصحح و پاره مواد تبلیغی مذهبی چندان اختلافی بایکدیگر ندارند که ایراد چنان تعریفی را ایجاد کند مگر اینکه فرض کنیم نسخه‌ای که زیر نظر نبیل قاینی برای تصحیح قرار گرفته بوده مشتمل بر موادی از دساتیر نوظهور و سایر مطالب مورد علاقه مانکجی بوده که به حذف آنها پرداخته باشد.

عجب است که از ۱۳۰۰ بدینطرف تنها کسی که بدیدن این کتاب و نقل عبارتی از آن در احقاق الحق پرداخته همان محمد تقی همدانی بوده و دیگر کسی به وجود این اثر در چنین صورتی اشاره‌ای نکرده است در دست بایه‌های ازلی نسخه‌ای از این تاریخ جدید بوده که احیاناً آن را تاریخ نبیل میگفتند و این نسخه با آنچه شیخ محمد در خاتمه تصحیح آورده از نظر ماهیت بیش از خود نسخه مصححه تطبیق می‌کند و کوشیده‌اند آنچه را که بر اصل منقول در تاریخ قدیم افزودند تا حد امکان کم کنند. نسخه‌ای از این روایت چند سال پیش بوسیله مرحوم حائری زاده نماینده اسبق مجلس شورای ملی با چند کتاب خطی دیگر بکتابخانه مجلس اهدا شد که فعلاً مرابدان دسترسی نیست ولی در روز خود آنرا دیدم. نسخه دیگری بخط محمد صادق کاتب بایه و داماد خانواده ازل هم در حین تحریر این مقاله مورد استفاده قرار گرفت. این روایت ساده‌ترین و بی‌پیرایه‌ترین و نزدیکترین صورت اصلاح شده تاریخ جدید به متن اصلی تاریخ قدیم است که در موقع تنظیم آن گویا جدائی میان دو برادر نوری هنوز به اوج خود، کسه بعد از انتقال از ادرنه به عکا و ماغوسه رسید، نرسیده بود و این معنی نشان میدهد که شاید نخستین تصرف و دستبرد در تاریخ قدیم بایه بعد از ورود مهاجران به ادرنه و استحضار بر اوضاع و احوال و جریان افکار و عقائد جدید از ۱۲۸۰ به بعد آغاز شده ولی در ۱۲۹۰ پس از بازگشت ناصرالدین شاه از اروپا و صدارت میرزا حسین خان قزوینی صورت نهائی خود را یافته باشد.

میرزا ابوالفضل که دخالت و شراکت قلمی او در این روایت کامل بیش از هر فردی دیگر ملحوظ و منظور است به این اختلاف روایتها در سلسله ایوبیه یا اسکندریه اشاره میکند که برون در مقدمه چاپ نقطه الکاف و ترجمه تاریخ جدید به انگلیسی از آن نقل مطلب کرده است و در مقاله قبل بدان اشاره مجملی رفت. پروفیسور برون در پایان ترجمه انگلیسی از تاریخ جدید که مبتنی بر روایت متوسطی از این کتاب است و همچنین در مقدمه فارسی نقطه الکاف چاپ خود از اختلافاتی که میان روایت کوچک و متوسط از تاریخ جدید با تاریخ قدیم وجود دارد به تفصیل سخن گفته و غالب آنها را مورد به مورد، نشان داده ولی دیگر متعرض این روایت مفصل و کامل که در نسخه اصلی مانکجی و نسخه نبیل قاینی موجود است نشده و به تأثیر بی‌حد میرزا ملک خان در اندیشه تلخیص کننده یا مصلح تاریخ

قدیم اشاره‌ای نکرده است.

نکته‌ای که در تأیید جواب میرزا ابوالفضل به پروفیسور برون در رسالهٔ ایوبیه و اسکندریه او میتوان از نسخهٔ مصحح قاینی استخراج نمود، همانا قید جمع مؤلف به صورت مؤلفون در بارهٔ نویسندهٔ این کتاب است که میگوید «مؤلفان این کتاب از اینجا خیالی و از آنجا افسانه‌ای گرفتند تا طبایع بدان بیشتر بگراید و غالب گوشها بدان انس یابد...»

لفظ «مؤلفوه» به خط خود قاینی در خاتمهٔ کتاب تصویر هرگونه شبهه‌ای را در این باره زایل میکند و نشان میدهد که بیش از یک یا دو تن، به نظر نبیل قاینی، در این کار شرکت داشته‌اند و این ناسازگاری صورت تازه برآمده، حاصل اختلاف سلیقه‌ها و نظرهای مؤلفان بوده است که او را مجبور به تصحیح و توسعه کرده است.

سه سال بعد از تصحیح محمد قاینی از تاریخ جدید بایده‌عبدالامها عباس افندی در آن تصرف و تحریر تازه‌ای کرده و تاریخ جدید را از محور اصلی آن که در متن قدیم و تلخیص تازه تقریباً بريك منوال باقی بوده به محور تازه‌ای در پیرامون نقطهٔ خانوادگی خود برگردانید و بدون آنکه از مساعی پیش آهنگان این راه سخنی در میان آورد سیاح مقالهٔ جدید را غیر از سیاح تاریخ جدید معرفی می‌کند که در مسیر کتاب جلال الدوله میرزا فتحعلی برای سیاحت کلی به ایران آمده بود و دربارهٔ جدیدیها بیش از جلال الدوله در مکتوبات میرزا فتحعلی توجه و عنایت و دلسوزی از طرف این سیاح کرده است. هدف سیاحت سیاح مقاله او بیش از سیاح تاریخ جدید تقویت و تأیید کاد پدرش و پیروان او بوده و به سید باب و بایان مانند عوامل مقدماتی پیش آهنگ و چاوش وصول مسافران بعدی مینگردد. هنوز به کسب این اطلاعات نایل نشده‌ام که آیا از آن دور روایت مفصل نسخه‌ای در عکا و حیفا پیش مهاجران بهائی فلسطین وجود دارد یا نه. همین قدر سکوت عبدالبهاء در موقعی که ذکر خیری پس از مرگ نبیل قاینی در رسالهٔ اتمام الوفاء چاپ خارج مینماید و خدمات مذهبی او را می‌شمارد از این عمل تصحیح و اصلاح او از تاریخ جدید ابدأ اشاره‌ای در میان نمی‌آورد بلکه به يك اثر غیر موجودی از او در مورد دیگری اشاره میکند که با این اثر تطبیق نمیکند.

مقایسه‌ای میان مقاله سیاح و هر دو روایت مختصر و متصل از تاریخ جدید این نکته را تأیید می‌کند که مقاله سیاح بر اساس همین اصلاح تاریخ جدید تنظیم شده و در نقل مطالب مقیاس مناسب و شایستگی با مصلحت منظوره به کار میرود و نقل نامهٔ بسیار قدیم میرزا حسینعلی بهاء به اعلیحضرت ناصرالدین شاه برای تأیید و حصول تغییر وضع کلی در روش بایان بوده و نشان میدهد که اینان غیر از کسانی هستند که در شکارگاه شمیران بر سلطان حمله بردند و یا آنکه در آثار تحریری خود همواره بر او تاخته و از او با عبارات بدو ناسزا یاد می‌کرده‌اند. در این جاسخن از شاهدوستی نسبت به شاه قاجار و دعای خیر مخصوص سلطنت و

دعوت اتباع خویش به رعایت خدمت و وفایه سلطان عصر ناصرالدین شاه می‌رود .

متأسفانه با وجود رساله‌ها و کتابهای متعددی که بوسیله باینها و بهائیها برای کشف نقطه اولیه شروع اختلاف دو برادر نوری در موقع توقف ادرنه نوشته شده است هیچ یک بدین معنی اشاره نکرده اند که درمان دو برادر و پیروان آنها درباره اظهار دوستی و ولاء و اطاعت به ناصرالدین شاه از آغاز تحول وضع وحدت نظر نبوده و شاید همین نکته نقطه اصلی اختلاف را به وجود آورده و بعداً به تدریج وسعت یافته باشد تا آنکه در ۱۲۹۲ به تدوین و تحریر اقدس در احکام دینی منجر شده است ، همان کتابی که در موقع تحریر جدید از آن نامی برده نشده و نشان میدهد که تا ۱۲۹۰ هـ هنوز تدوین نشده بود . کسانی که بخواهند به موارد حک و اصلاح و کاستن و افزودن بر متن تاریخ قدیم بایید ضمن تاریخ جدیدی بپردازند خوبست بهمان مقدمه فارسی میرزا محمدخان و پروفیسور برون بر چاپ ۱۹۱۰ از تاریخ قدیم و یا حواشی و ضمیمه برون بر ترجمه انگلیسی از تاریخ جدید مراجعه کنند، چه در ضمن ترجمه انگلیسی با مراجعه به متن فارسی معروف به نقطه الکاف پژوهنده میتواند خود را در جریان غالب این تفاوتها قرار دهد و بواسطه ندرت وجود نسخه‌های خطی کتاب و محدودی صفحات این مقاله ذکر همه آن موارد در اینجا میسر نیست.

درخاتمه توضیح این نکته لازم میشود که چندسال پیش در جواب پرسش نویسنده نامدار سید محمد علی جمال زاده درباره کتابی که نسخه‌ای از آن را به دست آورده بودند این جانب مقاله‌ای نوشت و در یغما منتشر گردید. در آن موقع هنوز اصل نسخه مصحح نبیل قاینی را ندیده بودم و در کتاب اتمام الوفا نوشته عبدالبها بر ترجمه احوال نبیل اعظم قاینی و نبیل اکبر زرنندی واقف نشده بودم و عکس نسخه میرزا حسین همدانی و عکس نسخه برون را در اختیار نداشتم و به نقل مسموعاتی از مرحومان آیتی و صبحی که از این بابت چندان جلب وثوق مرا نمیتوانستند بکنند درباره تاریخ جدید مطالبی نوشته شد که با نتیجه این تحقیق مبتنی بر اسناد سازش ندارد و خوانندگان باید بدین یک که با ماخذ عسراست پیش از آنچه بر اقوال مبلغان مذهبی سلف مبتنی بوده اعتماد ورزند.

۱۳۵۴/۳/۳

۱- عالین که در چند مورد دیگر از این کتاب، مصحح تاریخ بدان منسوب شده از نظر ارزش عددی و حروف با قاین مساوی و هر دو ۱۶۱ است همین شیخ محمد در پایان نسخه‌ای از منظومه عربی اثر طبع خود که به پیروی از ابن فارض مصری سروده و اخیراً در طهران اصل نسخه خط او ضمن مطبوعات خاصی عکس برداری و چاپ شده است، به همین خط خود را به عالین منسوب میدارد. هفتاد سال پیش این اثر به نظر محمد تقی همدانی رسیده بود و شناخته نشد ولی از مقایسه این دو اثر که یکی به وسیله بهائیان در طهران بنام نبیل قاینی و با امضای نبیل عالین چاپ شده و دیگری اصل نسخه تصحیح تاریخ جدید به خط او باشد توانستیم به شخصیت مصحح این تاریخ پی ببریم.